

## تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین الملل با تأکید بر تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای

دکتر وحید آرایبی\* / مهنوش میرزاامرجی\*\*

### چکیده

اصول حقوق بین الملل عمومی حاکم بر قطع روابط تجاری نظر به وابستگی روز افزون کشورها در زمینه اقتصادی و اهمیت رابطه بین کشورها برای تنظیم کنندگان منشور سازمان ملل متحد، تحریم اقتصادی را بعنوان سلاحی برای وادار کردن دولت‌ها به رعایت مقررات این منشور در نظر گرفته است و شرایط توسل به آن را دقیقاً در فصل هفت منشور مشخص نموده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر و بطور متعدد از سوی کشورها و بالاخص ایالات متحده آمریکا به جهت فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای خود مورد تحریم‌های شدید اقتصادی قرار گرفته است. یقیناً با توجه به اینکه دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای بر اساس معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق مسلم کشورهاست، در حقیقت اعمال فشارها از سوی دول تحریم کننده، نه به جهت اهداف تعریف شده در منشور سازمان ملل، بلکه بیشتر به جهت غرض ورزی‌های سیاسی و دشمنی‌های دیرینه بوده است. چرا که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حق غنی سازی صلح آمیز اورانیوم را به همه کشورها داده است. بنابراین سؤال اصلی عبارت می‌باشد از جایگاه تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران در موضع هسته‌ای از منظر حقوق بین الملل چگونه می‌باشد؟. تحریم‌های اقتصادی به عنوان سلاحی از سوی غرب و شورای امنیت تحت کنترل کشورهای غربی علیه کشورهای مستقل و یا مخالف سیاست‌های غربی از جمله جمهوری اسلامی ایران بکار می‌رود.

### کلید واژه‌ها

حقوق بین‌الملل، تحریم اقتصادی، منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت، حقوق بین‌الملل اقتصادی.

araei@ut.ac.ir

\* دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

\*\* کارشناس ارشد روابط بین الملل از دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه

در منشور ملل متحد یکی از راه‌های پیش بینی شده جهت اعمال فشار بر کشورهای ناقض صلح یا متجاوز، برقراری تحریم بعنوان یک راه‌حل غیرنظامی می‌باشد. این وظیفه مهم به شورای امنیت سازمان ملل به عنوان مهمترین رکن حافظ صلح و امنیت بین‌المللی سپرده شده است. شورای امنیت سازمان ملل دارای وظایف و اختیاراتی است که شامل تشخیص تهدیدات موجود علیه صلح و امنیت بین‌المللی یا منطقه‌ای و وضع تحریم‌های اقتصادی یا اتخاذ اقدام نظامی علیه متجاوز و اعمال مسئولیت سازمان ملل در مناطق استراتژیک جهان می‌شود. بر اساس ماده ۴۱ منشور که در ذیل فصل هفتم منشور آمده است، شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند واکنش خود را نسبت به تهدید امنیت و صلح بین‌المللی، با توسل به تحریم‌ها نشان دهد. پرکاربردترین و موثرترین تحریم‌ها، تحریم‌های اقتصادی است که از سوی شورای امنیت سازمان ملل علیه کشورهایی که بر اساس ماده ۴۱ منشور چنین تحریم‌هایی می‌گردند، اعمال می‌شود. این تحریم‌ها از دهه ۹۰ به این سو رشد قابل توجهی نموده‌اند به گونه‌ای که از آن به عنوان «دهه تحریم» یاد می‌شود. سابقه اعمال این تحریم‌ها در دوران جنگ سرد تنها در دو مورد علیه کشورهای رودزیای جنوبی در ۱۹۶۶ و آفریقای جنوبی در ۱۹۷۷ مشاهده می‌شود. پس از جنگ سرد، شورای امنیت سازمان ملل چنین تحریم‌هایی را علیه کشورهای یوگسلاوی سابق، آنگولا، لیبی، رواندا، لیبیا، هایتی، سودان و ایران اعمال کرده است. هدف اساسی از اعمال تحریم‌های اقتصادی، جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین‌الملل و تشویق به رعایت این اصول و هنجارهاست. اما طی دوره اخیر شورای امنیت در اثر فشار قدرت‌های بزرگ رویکردی دوگانه در قبال اعضا اتخاذ نموده است. به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا که به بهانه‌های مختلف سایر کشورها و دولت‌ها را مورد تهاجم قرار می‌دهد و یا تهدید به عملیات نظامی می‌کند و یا رژیم صهیونیستی که منشأ بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای است مصون از هرگونه اقدامات تحریمی هستند. از بعد از جنگ جهانی اول تعداد ۱۸۳ تحریم اقتصادی اعمال شده است که ۱۴۰ مورد آن توسط آمریکا صورت گرفته است.

پژوهش حاضر با تمرکز بر بررسی تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل عمومی می‌کوشد تا مشروعیت یا عدم مشروعیت تحریم‌های اقتصادی را در عرصه حقوق بین‌الملل ارزیابی نماید. این واقعیت که تحریم‌های یک جانبه اقتصادی از منظر منشور ملل و قطعنامه‌های سازمان ملل و در مجموع هنجارهای بین‌المللی قابلیت اثبات ندارد و حتی تحریم‌های

اقتصادی شورای امنیت در چارچوب اهداف و نیت سازمان ملل و شورای امنیت قرار نمی‌گیرد؛ بویژه آنکه امروز تحریم‌های اقتصادی به عنوان سلاحی از سوی غرب و شورای امنیت تحت کنترل کشورهای غربی علیه کشورهای مستقل و یا مخالف سیاست‌های غربی از جمله جمهوری اسلامی ایران بکار می‌رود. این در حالی است که تحریم‌های اقتصادی حتی با قواعد و هنجارهای حقوق بین‌الملل که کشورهای غربی سهم ممتازی در شکل‌گیری آن داشته‌اند، تطابق نمی‌نماید.

### ماهیت و پیشینه تحریم اقتصادی

امروزه تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری در جهت تضمین اجرای قواعد بین‌المللی و نیز حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اهمیت فراوانی یافته است. این اقدام از منظر حقوق بین‌الملل اساساً مشروع است، مگر آن که هدف از آن اعمال فشار و سلطه بر سایر کشورها و یا مغایرت با تعهدات قراردادی کشورها باشد. اعمال تحریم‌های اقتصادی در مواردی هم که مشروعیت دارد منوط به رعایت قواعد بین‌المللی می‌باشد و تابعان حقوق بین‌الملل باید در اعمال تحریم‌های اقتصادی، برخی محدودیت‌های حقوقی را بپذیرند و در چارچوب آن اقدام نمایند. طبق بند ۱ ماده ۱ منشور یکی از اهداف ملل متحد عبارت است از: «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و به این منظور، اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر برای پیشگیری و رفع تهدیدات علیه صلح و سرکوب اعمال تجاوزکارانه یا سایر موارد نقض صلح و تعدیل یا فیصله اختلافات یا وضعیت‌های بین‌المللی که ممکن است به نقض صلح بیانجامد از راه‌های مسالمت‌آمیز و مطابق با اصول عدالت و حقوق بین‌الملل».

تحریم اقتصادی را می‌توان تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک کشور یا چند کشور به منظور ایجاد تغییر در سیاست‌های کشور مورد هدف تحریم و یا دست کم بازگو کننده نظریات کشور تحریم کننده در مقابل تحریم شونده تعریف نمود (Barrye, 1988:4). به عبارت دیگر تحریم اقتصادی از اقدام سلبی در قطع و روابط اقتصادی کشورها با یکدیگر بر می‌خیزد. در واقع امروزه از تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری در جهت نیل به اهداف سیاست خارجی از سوی کشورهای دیگر می‌توان یاد نمود. هدف کشور تحریم کننده تحریف روابط اقتصادی کشور تحریم شونده از طریق کاهش سطح تجارت بین‌المللی آن کشور می‌باشد (خواجی، ۱۳۹۱: ۶). در مجموع در تعریفی جامع‌تر، تحریم روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا

مجموعه‌ای از دولت‌ها جهت تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول است. با این وجود چهره تحریم بیشتر در روابط اقتصاد بین‌الملل آشکار می‌گردد؛ آنجا که کالاها و خدمات یک دولت خاص بایکوت می‌شود (گراهام و نونام، ۱۳۸۱: ۹۶).

از منظر دیگر تحریم‌های اقتصادی را می‌توان به تحریم‌های یک جانبه و یا چند جانبه کشورها و یا تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت علیه کشورها تجزیه نمود. در حال حاضر تحریم‌های اقتصادی عمدتاً اقدامی یک جانبه از سوی آمریکا و یا اتحادیه اروپا و یا تحریم‌های جمعی توسط سازمان ملل را شامل می‌گردد.

تحریم اقتصادی اغلب به عنوان جایگزین جنگ و اعمال قوه قهریه تلقی می‌شود و شامل انواع روابط اقتصادی اعم از تجاری و مالی است. تحریم‌های اقتصادی در یک تقسیم بندی موضوعی به چهار گروه کلی تحریم‌های تجاری<sup>۱</sup>، مالی<sup>۲</sup>، مسافرتی<sup>۳</sup> و نظامی<sup>۴</sup> تقسیم می‌شوند. تحریم‌های تجاری عبارت است ممنوعیت فروش و دادوستد کالا و خدمات با اشخاص هدف که معمولاً به تحریم‌های صادرات و واردات تقسیم می‌شوند. تحریم‌های مالی براساس نهادهای مالی به سه حوزه بانک، بیمه و بورس تقسیم می‌شود. تحریم‌های مسافرتی یکی از رایج‌ترین تحریم‌هاست که با ایجاد محدودیت برای مسافرت‌های دریایی، هوایی یا زمینی اشخاص هدف را تحت فشار قرار می‌دهند. منع صدور ویزا برای افراد تحت تحریم از جمله این تحریم‌هاست (Hafbauer and other, 2007: p45). تحریم نظامی در واقع بخشی از تحریم‌های تجاری و مالی است که توان نظامی فرد تحت تحریم را هدف قرار می‌دهد. ممنوعیت صادرات تسلیحات نظامی به کشور هدف از جمله تحریم‌های نظامی است.

پیشینه تحریم به در انزوا قرار گرفتن اقتصادی - اجتماعی یک ملاک انگلیسی در ایرلند از سوی مجمع سر زمین ایرلند به خاطر رفتار ظالمانه آن مالک بر می‌گردد که این اصطلاح از حقوق روابط کار به صفحه بین‌الملل و آرام آرام به حقوق بین‌الملل عمومی تسری می‌یابد. جامعه ملل که در فاصله بین دو جنگ جهانی اول و دوم زمام هماهنگی امور جهان را بر عهده داشت تنها چهار بار مبادرت به تحریم یا اعمال تحریم کرد که تنها دو بار آن موفق بود. در واقع جامعه ملل نتوانست با بهره‌گیری از تحریم مانع حمله موسولینی به ایتالیایی و تصرف آن کشور

<sup>1</sup>. Trade Sanction

<sup>2</sup>. Financial Sanction

<sup>3</sup>. Travel-related Sanction

<sup>4</sup>. Arms Embargoes

در سال‌های ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶ شود. سازمان ملل متحد نیز قبل از تحریم عراق در سال ۱۹۹۰ تنها دو بار دست به تحریم همه جانبه زد. یکی بر علیه رودزیا در سال ۱۹۶۶ و دیگری تحریم تسلیحاتی همه جانبه علیه آفریقایی جنوبی در سال ۱۹۷۷. در این تحریم‌ها هدف یا تنبیه است، یا بازدارندگی یا تغییر رفتار. نکته بسیار مهم و جالب اینکه تحریم گاه معطوف به سیاست داخلی، تأمین نظر گروه‌ها و به دست آوردن رأی است. صاحب‌نظران نمونه این امر را تحریم چین از سوی آمریکا و اروپا به دلیل ناآرامی‌های میدان تیان آن من می‌دانند. هدف دولت آمریکا از این تحریم تنها نشان دادن خود به عنوان دولتی حامی حقوق بشر بود. آمریکا، بیشترین اعمال تحریم آمریکا بیش از هر کشور دیگر از حربه تحریم بهره جسته است. دولت کلینتون به تنهایی ۳۵ کشور را مورد تحریم یک جانبه قرار داد. این ۳۵ کشور ۴۲ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شدند و مصرف کننده ۱۹ درصد صادرات جهان بودند. آمریکا خود از تحریم‌های اعمال شده زیان‌های زیادی دیده است. طبق برآورد بنیاد هریتیج، تحریم اقتصادی ۲۶ کشور جهان صادرات آمریکا را ۱۹ میلیارد دلار کاهش داد، ۲۰۰ هزار شغل را در بخش صادرات از بین برد و کارگران بخش صادرات به لحاظ دستمزد یک میلیارد دلار ضرر کردند.

### مبانی نظری تحقیق

در سیاست بین‌الملل، دو منطق متفاوت در زمینه عملکرد کشورها در تحریم دیگران وجود دارد. یکی معتقد است که نظام بین‌الملل دارای واحدهای سیاسی برابر بوده و خود نظام نیز در وضعیت آنارشی قرار گرفته است. براین اساس در نظامی که یک حکمرانی جهانی وجود ندارد که همانند داخل کشورها بتواند نظم سیاسی را برقرار نماید، کشورها نیز بر اساس اصل خودیاری برای دفاع از خود دست به اقداماتی از قبیل تحریم می‌زنند. در طرف مقابل، نظریه فیلسوفان و جامعه‌شناسان قرار دارد. از دید این گروه، در تنبیه باید نوعی سلسله مراتب موجود باشد تا یک بازیگر بتواند در سطح بین‌المللی علیه بازیگری دیگر تحریم اعمال کند. از این نظر کشورها را نباید بازیگران برابر فرض نمود. برپایه نظر آنان، تنبیه، تحریم اقتصادی در واقع اقدام قدرت برتر علیه کشور فرودست به منظور تنبیه آن و در پاسخ به اتخاذ رفتاری است که مورد میل بازیگر هژمون نبوده است. این اقدام قدرت برتر یا هژمون نیز نه به خاطر حفظ و بقا نظم

هژمونیک، بلکه به منظور برقراری نوعی هنجار جدید در سطح بین‌المللی است که مطابق با خواست‌ها و نیازهای کشور هژمون باشد (زهرانی، ۱۳۸۷: ۷).

اصولاً تحریم به عنوان دیپلماسی اجبار مشتمل بر آمیزه‌ای از دیپلماسی و تهدید است. با این همه عنصر تنبیه به عنوان هدف در همه تحریم‌ها وجود دارد. با این وجود بعضی از تنبیه‌ها برای وصول به هدف اعمال می‌شوند. چنین تنبیهی برنوع از عقلانیت است. با این حال تحریم‌های دارای عقلانیت خود بر دو نوع است: اجبارکننده<sup>۱</sup> و کنترل‌گرایانه<sup>۲</sup>. این دو نوع تحریم از سه بعد با هم متفاوت هستند: هدف، مخاطب و نحوه اجرا (آشکار، پنهان و یا آمیزه‌ای از هر دو نوع). در تحریم اجباری، طبقه خاصی از جامعه یعنی نخبگان دولتی هدف هستند. هدف آن تغییر رفتار و به صورت آشکار اعمال می‌گردد. اما در تحریم کنترل‌گرایانه هدف اصلی تغییر رژیم و بی‌ثبات‌سازی است. مخاطب اصلی آن مردم عادی می‌باشند. بصورت آمیزه‌ای رفتار آشکار و عملیات پنهانی است. هدف آن وابستگی اقتصادی است که منجر به ناآرامی و شورش سیاسی می‌شود (زهرانی، ۱۳۸۷: ۱۰-۱۱).

با توجه به مطالب فوق می‌توان مدل‌های متفاوتی در مورد تحریم بیان داشت. مدل‌هایی که هر یک از زاویه‌ای خاص و با برجسته کردن برخی حوزه‌ها به تحلیل این پدیده و نیز پیش‌بینی آثار محتمل آن بر دولت تحت تحریم می‌پردازند. به عنوان مثال یکی از اندیشمندان سه مدل تحریم را مفهوم بندی کرده است: ۱. مدل انقلابی<sup>۳</sup>: در قالب آن تحریم‌ها، نظام سیاسی را به حدی تضعیف می‌کند که راه برای فروپاشی آن هموار می‌گردد<sup>۴</sup>. مدل اشکالک<sup>۴</sup>: در قالب این مدل، هزینه‌هایی که از سوی تحریم‌کنندگان بر کشور تحت تحریم بار می‌شود، به حدی است که آن کشور بر مبنای منطق هزینه-فایده، وادار به تغییر رویکردها و سیاست‌های خود می‌گردد. ۳. مدل تکاملی<sup>۵</sup>: در این مدل، ترکیبی از چماق و هویج برای اثرگذاری بر رفتار دولت تحت تحریم به کار گرفته می‌شود تا به تدریج تغییرات مورد نظر در رفتار آن حاصل شود (Crawford, 1999: p26).

1. Coercive

2. Manipulative

3. Rrvolutionary Model

4. Thumbscrew Model

5. Evolutionary Model

## ۱- دیپلماسی تحریم

راهبرد دیپلماسی تحریم تلاش می‌کند به جای توسل به جنگ با اقناع، کشور هدف را از انجام اقدامات خود بازدارد. در این راهبرد، اقدام نظامی همه جانبه به منزله شکست دیپلماسی تحریم است. این استراتژی، شکلی از مذاکرات انتقادی است و از تهدید، انگیزه‌های مثبت و منفی و تشویق و ترغیب استفاده می‌کند. الکساندر جورج نخستین بار از اصطلاح دیپلماسی تحریم استفاده کرد. غایت نظریه دیپلماسی تحریم منصرف کردن کشور هدف از انجام اقدامات معینی است. دیپلماسی تحریم دارای سه ویژگی اصلی است: تقاضا؛ تهدید و مجازات و ایجاد فرصت برای موافقت (Schaub, 1998: p44). متقاعد ساختن کشور مقابل هدف استفاده از تهدید و تحریم است. همچنین، هزینه‌های عدم موافقت با تقاضاهای اجباری، بسیار زیاد است. دیپلماسی تحریم برآورد هزینه را روشن ساخته و سعی می‌کند زمینه‌های تعرض و حمله را دور کند تا کشور هدف وادار به توقف فعالیت‌های خود شود (George, 1997: p5). دیپلماسی تحریم شامل سه نوع تهدید است: الف) تهدیدات سیاسی یا دیپلماتیک که می‌تواند به عنوان شکل متوسط تهدید اجباری باشد ب) تهدیدات اقتصادی که نوع قوی‌تری از تهدید اجباری است و تحریم‌های گسترده و همه جانبه را مدنظر دارد ج) تهدید به زور که شکل بسیار قوی و افراطی اجبار است. دیپلماسی تحریم زمانی موفق است که با انگیزه‌های مثبت همراه باشد و زمینه‌ها و قسمت‌های مهم و با ارزش رقیب را مورد هدف قرار دهد (Bratton, 2005: p106).

## ۲- دیپلماسی اجبار

نظریه دیپلماسی اجبار و سیاست تحریم بر اساس مفروضات مدیریتی و راهبردی تنظیم گردیده است. براساس چنین رهیافتی هرگونه کنش بازیگران در قالب سازوکارهای روابط سازنده با نیروهای هدف مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نظریه تبادل اجتماعی و اقتصادی چهار مفروض دارد: اولاً افراد در پی پاداش هستند و از مجازات دوری می‌کنند؛ ثانیاً افراد موجوداتی منطقی هستند؛ ثالثاً معیارهایی که انسان‌ها برای ارزیابی هزینه‌ها و پاداش‌ها به کار می‌برند از زمانی به زمان دیگر و از انسانی به انسان دیگر متفاوت است؛ رابعاً، روابط اجتماعی، تأثیرپذیری و تاثیرگذاری متقابل دارند. طبق این نظریه، بازیگران سیاست بین‌الملل در روابط متقابل و چندجانبه درصدد حداکثرسازی سود راهبردی می‌باشند. براساس این نظریه، روابط بشری از طریق کاربرد تحلیل سود- هزینه ذهنی و مقایسه گزینه‌های مختلف باهم شکل می‌گیرند.

هزینه، ارزش‌های منفی هستند که یک رابطه در نظر افراد می‌تواند داشته باشد مانند ائتلاف زمان و پول، احساس حسادت و حقارت. بنابراین دو نظریه، مفروض آن است که کشورها و دیگر کنشگران بین‌المللی بر مبنای «تحلیل سود-زیان مبتنی بر وضعیت» تصمیم‌گیری می‌کنند. یعنی هرکنشگر با توجه به گزینه‌های موجود و مقایسه آنها باهم و ارزیابی هر یک از آنها بر مبنای تحلیل سود-هزینه مبتنی بر وضعیت ذهنی که شامل ارزش‌ها، اعتقادات و تصورات است و وضعیت عینی که شامل وضعیت اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی است، با هم در کنش و واکنش هستند و بر هم تأثیر می‌گذارند (مصلی نژاد، ۱۳۹۴: ۹).

تحریم اقتصادی از آن دسته مفاهیمی می‌باشد که گرچه دارای ماهیتی سیاسی در سطح روابط بین‌الملل می‌باشد ولی همواره خود را به شکل حقوقی متجلی می‌کند. این گونه تحریم‌ها که در عرصه اقتصاد بین‌الملل ظهور می‌یابد به عنوان حربه‌ای از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی علیه یک کشور به کار می‌رود. دولت‌ها به دلایل مختلف در طول تاریخ به تحریم‌های اقتصادی متوسل گردیده‌اند. یکی از اهداف تحریم‌های اقتصادی تغییر رفتار کشور مورد تحریم به دلایل مربوط به روابط خارجی می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی معمولاً به عنوان ابزاری در تعقیب سیاست خارجی بکار می‌روند. اینگونه استدلال می‌گردد که هدف جنگ اقتصادی این است که تا حد امکان به اقتصاد دشمن خسارت وارد نماید (فلدان و زایدل، ۱۳۷۹: ۳۵۰). از اهداف دیگر تحریم‌های اقتصادی می‌توان به هدف بی‌ثباتی کشور از طریق فشارهای اقتصادی اشاره کرد. در اکثر موارد، تحریم‌های اقتصادی تأثیر اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برجا گذاشتند اما موفقیت سیاسی آن‌ها چندان قابل توجه نبوده است. در خصوص ایران بطور کلی می‌توان سه دلیل عمده در تحمیل تحریم‌های آمریکا بر ایران ذکر کرد: ۱. وادار کردن ایران به کنارگذاشتن سیاست‌های ناخوشایند در برابر آمریکا ۲. مجازات ایران برای اتخاذ سیاست‌های غیرقابل قبول ۳. ابراز مراتب مخالفت نمادین با ایران به منظور جلب نظر گروه‌های طرفدار اسرائیل (علیخانی، ۱۳۸۰: ۴۱).

به نظر داکسی، تحریم‌های اقتصادی اقدامات منفی محسوب می‌گردند که در صدد تأثیرگذاری بر رفتار کشور از طریق تهدید و در صورت ضرورت، تحمیل مجازات به منظور عدم رعایت قانون می‌باشد (Doxy, 1972: p528). تحریم اقتصادی اهرمی است که کشور مخالف را به این نتیجه می‌رساند که هزینه تمکین در برابر خواست کشور تحریم‌کننده، کمتر از هزینه ناشی از اعمال تحریم اقتصادی علیه آن کشور است. بنابراین، نظریه‌های تحریم اقتصادی با قدرت



اقتصادی کشورها، دارای رابطه مستقیم است. مفروض اصلی این نظریه‌ها این است که کشور تحت تحریم به ناچار از مواهب رفاه اقتصادی محروم می‌شود و در نتیجه به خواست کشور یا کشورهای تحریم کننده، تن می‌دهد. در واقع در این چارچوب است که طرفداران تحریم، مبانی نظری خود را تنظیم می‌کنند.

از سوی دیگر برخی از نظریه پردازان تحریم اقتصادی را در قالب دیپلماسی اتصال<sup>۱</sup> یا اتصال موضوعی<sup>۲</sup> تحلیل می‌کنند. دیپلماسی اتصال یک فن نفوذ است. در این فرایند دولت‌ها با سیاست‌های خاص، موضوعات به ظاهر نامربوط را وارد بازی می‌کنند تا در موضوعات اصلی، کسب امتیاز نمایند. به این معنا که از حوزه‌ای که دارای قدرت هستند، بر روی حوزه ضعف طرف مقابل اثر می‌گذارند. این دیپلماسی بر اساس اجبار یا ترغیب یا وعده پاداش در برابر تنبیه عمل می‌نماید. اما برخی رفتار مطیعانه طرف مقابل را منوط به نفوذ و اثرگذاری می‌دانند. در این روش اتصال و ارتباط موفقیت آمیز نه به خاطر اجبار یا ترغیب، بلکه به دلیل القای تدریجی ارزش‌ها صورت می‌گیرد. در نظریه اتصال موضوعی، سه فرایند اطاعت<sup>۳</sup>، شناسایی<sup>۴</sup> و درونی سازی<sup>۵</sup> مطرح است که از دو ویژگی تعامل (رسوخ و ایدئولوژی) ناشی می‌شوند. هر فرایندی نیز مستلزم شرایط متفاوتی برای موفقیت است. اول عناصر ملموس مثل اقتصاد؛ دوم عوامل سمبلیک و نمادین مانند ارزش‌هایی مثل سرزمین، شخصیت‌ها و سیاست‌ها؛ سوم فاکتورهای متعالی<sup>۶</sup>. مانند جنگ علیه ترور و دفاع از حقوق بشر و دموکراسی. در این نظریه هر چقدر هدف بیشتر سمبلیک شود، موفقیت تحریم نیز به حداقل تنزل پیدا می‌کند (زهرانی، ۱۳۸۷: ۶-۷).

### تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل

با بررسی معیارهای جهانی حقوق بشر مندرج در منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد مربوطه که مبین اصول پذیرفته شده بین‌المللی می‌باشند، می‌توان ادعا کرد که چنانچه تحریم‌های اقتصادی منجر به رنج و مشقت انسان‌ها گردند این تحریم‌ها توجیهی از منظر حقوق بین‌الملل ندارند. ظهور اندیشه‌های بشردوستانه و توجه به حقوق اساسی بشر

<sup>۱</sup>. Linkage Diplomacy

<sup>۲</sup>. Issue Linkage

<sup>۳</sup>. Compliance

<sup>۴</sup>. Concessance

<sup>۵</sup>. Intenalization

<sup>۶</sup>. Transendence

مبتنی بر کرامت، شخصیت و ارزش‌های عالی انسانی باید زمینه‌ای برای جلوگیری از ورود صدمه عمومی به مردم بی‌گناه و قربانی‌کردن‌ها به منظور اهداف و اغراض سیاسی از طرف دولت‌ها باشد (کوشلر، ۱۳۷۶: ۳۰۰).

التزام شورای امنیت به اصول حقوق بین‌الملل عام در زمینه اعمال تحریم‌های اقتصادی مستلزم سه اصل مهم می‌باشد که عبارتند از: اصل انسانی بودن، اصل ضرورت، اصل تناسب. اصل انسانی بودن دایره وسیعی دارد و بسیاری از حقوق انسانی را که در زمره حقوق بشر قرار نمی‌گیرد نیز در بر می‌گیرد. نتیجه اعمال اصل انسانی بودن به عنوان یک اصل کلی حقوقی بر اقدامات غیر نظامی شورای امنیت این است که چنین اقداماتی نباید به آن درجه از شدت باشند که انسان‌ها را در معرض شرایط غیرانسانی حیات قرار داده و با خطر بیماری و مرگ مواجه سازند. اصل ضرورت در هر موردی که به یک مرجع عمومی اختیارات تشخیصی اعطا شده باشد، کاربرد دارد. چنین مرجعی باید این امر را احراز نماید که اقداماتی که اعمال می‌کند به منظور نیل به اهداف اساسی که به خاطر آن‌ها ایجاد گردیده، ضروری می‌باشند. اصل ضرورت در زمینه‌های متعددی کاربرد دارد که از آن جمله می‌توان به روابط بین‌المللی، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق مخاصمات مسلحانه اشاره نمود. از آنجایی که سازمان ملل متحد به اصول کلی حقوق بین‌الملل ملتزم می‌باشد، شورای امنیت ملزم به رعایت اصل ضرورت خواهد بود. اصل تناسب با ضرورت ارتباط دارد. میزان هر محدودیتی باید دقیقاً با ضرورت تناسب داشته باشد و یا متناسب با منفعت بالاتری باشد که بوسیله آن محدودیت، مورد حمایت قرار می‌گیرد. اصل تناسب مستلزم آن است که تحریم‌ها متضمن واکنشی مناسب در قبال رفتار کشور مورد تحریم باشد. به این منظور لازم است منافع حاصله از برنامه تحریم بیش از زیان‌های ناشی از آن باشد (Davidson, 2003: pp10-13).

باتوجه به مطالب فوق و با گسترش کاربرد تحریم‌های اقتصادی در روابط بین‌الملل در قرن بیستم این سؤال همواره در سطح مجامع حقوقی مطرح می‌گردد که آیا اصولاً تحریم‌های اقتصادی در حقوق بین‌الملل از مشروعیت لازم برخوردار می‌باشد یا خیر؟ بر همین اساس پیرامون این سؤال از جمع بندی نظرات گوناگون می‌توان قائل به سه نظر ذیل شد که به بررسی هر یک پرداخته می‌شود:

## ۱- نظریه مشروعیت مطلق تحریم‌های اقتصادی

اصولاً شناسایی اصل حاکمیت به معنای استقلال و آزادی کشورها از هر گونه سلطه خارجی در تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی خود و تساوی کشورها بر طبق قانون می‌باشد (عباسی اشلقی، ۱۳۸۰: ۸۲) بر همین اساس کشورها صلاحیت لازم را بر اعمال حق حاکمیت خود بر قلمرو داخلی خویش پیدا می‌نمایند. منابع طبیعی و اقتصادی نیز یکی از حوزه‌های حاکمیتی کشورها می‌باشد. این امر تحت عنوان «حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود» از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۱۸۰۳ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۲ مورد تأکید قرار گرفته است. لذا کشورها بر اساس حق حاکمیت بر منابع طبیعی خود مجاز به ارتباط اقتصادی و یا قطع ارتباط اقتصادی در قالب تحریم با هر کشوری می‌باشند.

طبق اصول منشور ملل متحد، حاکمیت کشورها در یک سطح مساوی برای تمام کشورها تعریف می‌گردد که پایه‌ی همین تساوی در حاکمیت، کشورها از مداخله در امور یکدیگر منع می‌شوند. لذا برقراری امتناع از تجارب با دیگران در حوزه‌ی صلاحیت حاکمیت یک کشور و در دایره صلاحیت اختیاری و داخلی کشورها می‌گنجد (خواجی، ۱۳۹۱: ۷). علاوه بر آن که تحریم اقتصادی در حقوق بین‌الملل منع نگردیده و هر آنچه در چارچوب حقوق بین‌الملل دایر بر امتناع از آن نیست، در حوزه صلاحیت کشورها طبق اصل حاکمیت آنان قرار می‌گیرد. این نظر توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده نیکاراگوئه علیه آمریکا نیز تأیید شده است. بنابراین، کشورها آزادند که در چارچوب صلاحیت‌های ناشی از حاکمیت خویش هر گونه رفتاری را که به مصلحت خویش می‌بینند به انجام رسانند.

با این وجود «اصل حاکمیت کشورها» یک اصل مطلق بدون قید نمی‌باشد که بتوان با چنگ زدن به صلاحیت‌های ناشی از این اصل تحریم‌های اقتصادی کشورها را علیه همدیگر توجیه حقوقی کرد. در واقع همان گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده بارسلونا تراکشون مقرر می‌دارد که حقوق بین‌الملل «متضمن این تعهد برای دولت‌هاست که در حوزه صلاحیت خود اعتدال را اعمال نمایند و از توسعه صلاحیت به وسیله دادگاه‌ها در مواردی که یک عنصر خارجی وجود دارد، پرهیز کنند و از تجاوز بی‌جهت به صلاحیت کشور دیگر که وابستگی بیشتری با آن دارد یا به طور مقتضی صلاحیتش قابل اعمال است، خودداری کنند». لذا صلاحیت کشورها که از ویژگی‌های حاکمیت کشور یا به تعبیر دیگر تجلی اصل حاکمیت

کشورها در حقوق بین الملل می‌باشد، محدود به قلمروی داخلی خویش می‌گردد (مافی، ۱۳۸۵: ۶۸).

## ۲- نظریه مشروعیت نسبی تحریم‌های اقتصادی

بر خلاف نظر پیشین مبنی بر مشروعیت مطلق تحریم‌ها در حقوق بین الملل مشروعیت تحریم‌ها در این نظر نه لزوماً مطلق بلکه تحت شرایطی مجاز می‌باشد. در واقع اقدامات متقابل کشورها که گاه در قالب تحریم اقتصادی جلوه می‌یابد، بر اساس طرح کمیسیون حقوق بین الملل به نظم در آمده‌اند. بر این اساس رعایت قواعد آمره از نکات مهمی می‌باشد که در اقدامات متقابل کشورها می‌بایست لحاظ شود. بر همین مبنا هیچ کشوری نمی‌تواند به منظور جلوگیری از نقض حقوق بین الملل خود به نقض قواعد آمره حقوق بین الملل متوسل گردد. هر چند که در هیچ یک از اسنادهای بین المللی قواعد آمره حقوق بین الملل احصاء نگردیده ولی طبق ماده ۵۳ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین قاعده‌ی آمره قاعده‌ای است که توسط جامعه جهانی دولت‌ها در کل به عنوان اصلی پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است و کمترین تخلف از آن مجاز نبوده و تغییر آن فقط توسط یا قاعده بین الملل دیگر یا همان مشخصه آمریت امکان پذیر است (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

علاوه بر تحریم‌های اقتصادی که منشأ صدور آن‌ها از سوی کشورها در قالب اقدام متقابل تحت شرایط و ضوابط فوق علیه کشورهای ناقض حقوق بین الملل می‌باشد، سازمان ملل متحد و در رأس آن شورای امنیت به عنوان رکن این نهاد بین المللی که وظیفه‌ی حفظ صلح و امنیت جهانی را بر عهده دارد بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت با توسل به اقدامات اجبار کننده، صلح و امنیت جهانی را تضمین می‌کند.

تحریم‌های اقتصادی از جمله اقدامات غیر نظامی می‌باشد که بر اساس ماده ۴۱ منشور<sup>۱</sup> در حوزه اختیارات شورای امنیت در جهت حفظ صلح و امنیت بین المللی می‌گنجد و پس از آن

<sup>۱</sup> ماده ۴۱ شورای امنیت: «شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات ان شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن استعمال نیروهای مسلح نباشد لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد» (منشور سازمان ملل، ۳۰).

که طبق ماده ۳۹ منشور تهدید علیه صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه احراز گردد؛ علیه کشور خاصی به کار می‌رود.

برخی از نویسندگان حقوق بین الملل با تفسیر بند یک منشور و جز نخست آن که در ارتباط با حفظ صلح و امنیت بین المللی از طریق اتخاذ اقدامات جمعی مؤثر قرار می‌گیرد و ذکر لزوم انطباق با اصول عدالت و حقوق بین الملل که در جزء دوم بند به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات مربوط می‌شود، تصمیمات شورای امنیت را بر اساس فصل هفتم منشور ملزم به رعایت اصول حقوق بین الملل نمی‌دانند؛ ولی «با توجه به بند ۲ ماده ۲۴ منشور که شورا را موظف نموده است طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل نماید و نیز بند (۱) ماده ۱ منشور که تحقق صلح و امنیت بین الملل را در پرتو اصول عدالت و حقوق بین الملل قابل حصول قلمداد نموده، شورا موظف به اعمال حقوق بین الملل می‌باشد. بنابراین شورای امنیت با وجود سرشت سیاسی خود باید حقوق بین الملل را فرا راه خود قرار دهد» لذا شورای امنیت در کاربرد تحریم‌های اقتصادی خویش ملزم به رعایت منشور سازمان ملل، اصول حقوق بین الملل از جمله رعایت قواعد آمره، حقوق بین الملل بشر و حقوق بشر دوستانه می‌باشد.

با این وجود اعمال تحریم‌های اقتصادی همه جانبه از سوی شورای امنیت تردیدهای زیادی را پیرامون مشروعیت این اقدام و تعارض آن با اصول حقوق بین الملل عام، قواعد آمره و حقوق بشر برانگیخته است. چرا که هنگام تدوین منشور ملل متحد و مواد مربوط به تحریم‌های اقتصادی «هنوز اندیشه‌ی فرد به عنوان موضوع یا تابع حقوق بین الملل مطرح نشده بود و حقوق شخص انسان اساساً از اموری تلقی می‌شد که در صلاحیت داخلی دولت او قرار داشت. به این ترتیب سکوت منشور را باید به نگرش سنتی به اصل حاکمیت دولت نسبت داد» (ممتاز، ۱۳۸۷: ۳۴۴).

این واقعیت که تحریم‌های اقتصادی همه جانبه شورای امنیت در تنافی با حق حیات به عنوان یکی از قواعد آمره حقوق بین الملل قرار می‌گیرد، امری انکار ناپذیر است.

### ۳- نظریه عدم مشروعیت تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین الملل

این نظریه برخلاف مشروعیت مطلق تحریم‌های اقتصادی از منظر حقوق بین الملل که بر مبنای تفسیر وسیع از حق حاکمیت کشورها، هر گونه مداخله در قلمرو حاکمیت کشورها را از جمله صلاحیت کشورها در نحوه ارتباطات اقتصادی و تجاری به شدت رد می‌کند، به اصل عدم

مداخله و نسبت آن با تحریم‌های اقتصادی از منظری دیگر می‌نگرد. ماده ۳۲ منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها اعلام می‌دارد که هیچ دولتی نمی‌تواند از اقدامات اقتصادی، سیاسی یا هر نوع دیگر از این اقدامات برای مجبور کردن دولتی دیگر جهت فرمانبرداری از آن در اعمال حق حاکمیت خود بهره برد یا این اقدام را تشویق نماید. این معنا در قطعنامه ۲۱۳۱ مجمع عمومی در سال ۱۹۵۶ مورد تأکید قرار گرفته است که هیچ دولتی حق ندارد به طور مستقیم یا غیر مستقیم به هر دلیلی در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر مداخله کند. لذا تحریم‌های اقتصادی به ویژه تحریم‌های ثانویه علیه کشورهای ثالث که با کشور مورد هدف تحریم در حال مبادله اقتصادی می‌باشند، اصل عدم مداخله را نقض می‌نمایند (حدادی، ۱۳۸۲: ۱۲۰). در واقع تحریم‌های اقتصادی با ورود به حوزه آن دسته از اموری که در صلاحیت داخلی یک کشور قرار دارد، آزادی تنظیم روابط اقتصادی و مالی یک کشور را در عرصه‌ی بین الملل سلب می‌نماید. امری که در تناقض آشکار با اصل عدم مداخله در امور یکدیگر منبث از اصل حاکمیت کشورها و تساوی حاکمیت آنان در حقوق بین الملل قرار می‌گیرد. علاوه بر آن که تعهد کشورها از خودداری از توسل به زور مستند به بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد منحصر به زور نظامی نمی‌گردد، بلکه تمام ابعاد زور از جمله سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود. از سوی دیگر اعلامیه ۱۹۷۰ که حاوی منع کاربرد زور از طریق نظامی و سیاسی یا به هر نحو دیگری می‌باشد، موید این معناست که استفاده از تحریم‌های اقتصادی که در آن نوعی زور مستتر است، بر مبنای منشور ملل متحد غیر قانونی و فاقد مشروعیت می‌باشد (خواجی، ۱۳۹۱: ۱۳). از منظر حقوق بین الملل در زمینه تحریم‌های یکجانبه از سوی یک کشور علیه دیگری، سه رویکرد مختلف وجود دارد:

الف) رویکرد اول، اعمال این تحریم‌ها براساس اصل حاکمیت کشورها مجاز است. به عبارت دیگر از آنجا که کشورها می‌توانند در تنظیم روابط خارجی خود با دیگران آزادانه عمل کنند لذا هر کشوری از نظر سیاسی حق دارد با کشور دیگر قطع رابطه نماید یا رابطه برقرار کند. همین رابطه در مسائل اقتصادی نیز وجود دارد. لذا براساس این رویکرد کشورها می‌توانند برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش کشور دیگر را تحت فشار اقتصادی قرار دهند.

ب) در رویکرد دوم، جنگ مستقیم اقتصادی از سوی یک کشور علیه دیگری مجاز شمرده می‌شود و می‌باید آثار مضرات آن برطرف‌های ثالث به حداقل برسد. تمرکز اصلی تحریم‌های

اقتصادی بر کشور یا کشورهای هدف می‌باشد و لذا می‌بایست این تحریم‌ها دارای کمترین آثار بر سایر کشورها باشد.

ج) رویکرد سوم، رویکرد منع قانونی است. این مکتب تحریم ثانویه، بلکه تحریم‌های اولیه را نیز مجاز نمی‌داند. این رویکرد که جدیدتر از دو رویکرد قبلی است عمدتاً از نظریه‌های اقتصادی سیاسی کلاسیک لیبرال ناشی شده است تا حقوق بین‌الملل. اقتصاددانان سیاسی لیبرال کلاسیک، مدافعان سرسخت تجارت آزادند، لذا هر نوع مانعی را موجب خسارت به اقتصاد جهانی می‌دانند.

در بررسی نهایی رویکرد نظری فوق و مقایسه آن با اعمال کشورها به این نتیجه می‌رسیم که اقدامات تحریمی کشورها علیه یکدیگر در بسیاری از موارد علی‌رغم ممنوعیت‌های حقوقی، در حال گسترش است. از مهمترین اقدامات تحریمی یک جانبه، تحریم کشورهای نظیر ایران، عراق و لیبی از سوی آمریکا در سال‌های اخیر بوده است.

بنابراین، می‌توان تحریم‌های یکجانبه را بر اساس معاهدات و حقوق بین‌الملل، براساس موارد زیر نامشروع خواند:

اول: مجمع عمومی سازمان ملل متحد به کرات اقدامات قهرآمیز اقتصادی را به عنوان وسیله‌ای جهت دستیابی به اهداف سیاسی محکوم کرده است. این مجمع از کشورهای صنعتی می‌خواهد از موضع برتر خود به عنوان وسیله اعمال فشار اقتصادی با هدف تغییر رفتار سایر کشورها استفاده نکنند.

دوم: کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) نیز اقدامات قهرآمیز که علیه کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد را محکوم می‌کند و تصریح می‌کند: تمام کشورهای توسعه یافته باید از اعمال محدودیت‌های تجاری، محاصره، ممنوعیت معامله و سایر مجازات‌های اقتصادی مغایر با مقررات منشور ملل متحد علیه کشورهای در حال توسعه، به عنوان شکلی از اجبار سیاسی که بر توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی این کشورها اثر می‌گذارد، خودداری ورزند.

سوم: تحریم یک جانبه نقض حق توسعه کشورهاست. از آنجا که براساس اعلامیه وین ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳ حق توسعه، به عنوان حق جدایی ناپذیر انسانی شناخته شده است لذا می‌توان اقدامات تحریمی را ناقض این اصل مهم حقوق بشری دانست.

چهارم: تحریم‌های یک جانبه مداخله آشکار در امور داخلی و خارجی کشورهاست. این مسئله ناقض بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد، همچنین ماده ۳۲ منشور می‌باشد. همچنین

قطعه‌نامه‌های ۴۷/۹ / ۵۰/۱۰ / مجمع عمومی نیز که اعمال مقررات فراسرزمینی دولتی را منع می‌سازد با اعمال تحریم‌های یک جانبه نقض می‌گردد.

### بررسی مشروعیت تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در موضوع هسته‌ای

تحریم‌های اقتصادی همواره یکی از سازوکارهای مهم در نظام امنیت دسته جمعی نشات گرفته از منشور ملل متحد بوده است. اقدامات تنبیهی اقتصادی همچنین به عنوان یک ابزار پیشبرد سیاست خارجی به صورت یکجانبه و چندجانبه از سوی کشورهای مختلف اعمال می‌شوند. شورای امنیت تا پیش از پایان جنگ سرد تمایل چندانی به استفاده از ابزار تحریم از خود نشان نمی‌داد، اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و از بین رفتن فضای دو قطبی حاکم بر نظام بین الملل، زمینه برای استفاده بیشتر این رکن اصلی ملل متحد از تحریم‌ها فراهم شد، به طوری که شمار تحریم‌های اعمال شده طی ۵ سال پس از ۱۹۹۰، به بیش از ۴ برابر کل موارد اعمال شده در طی ۴۵ سال قبل از این تاریخ رسید.

در این قسمت تلاش می‌گردد تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین کشورهای غربی در قبال جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای از منظر موازین حقوق بین الملل مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۱- تحریم‌های شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل، تاکنون چندین تحریم در چارچوب فصل ۷ منشور علیه ایران اعمال کرده است. بررسی پیامدهای حاصل از اعمال تحریم‌ها علیه ایران نشان می‌دهد که بیشترین رنج و آسیب این محدودیت‌ها بر مردم عادی تحمیل شده و موازین حقوق بشر در اثر تحریم‌ها مورد نقض گسترده قرار گرفته است. از آنجا که مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی در پرتو رعایت اهداف و اصول سازمان ملل و مقررات منشور به شورای امنیت واگذار شده، وضع چنین تحریم‌هایی به لحاظ نقض مواد ۱، ۲۴ و ۵۵ منشور و سایر معاهدات حقوق بشری تخطی از حدود صلاحیت و اختیارات قانونی این شورا تلقی شده و فاقد اعتبار است و به لحاظ تخلف شورای امنیت از تعهدات بین المللی خود در زمینه حقوق بشر، موجبات مسئولیت بین المللی این شورا و به تبع آن، سازمان ملل را فراهم می‌سازد (زمانی و زنگنه، ۱۳۹۲).



در صدر آخرین قطعنامه تصویبی بر ضد فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ رئیس شورای امنیت در بیانیه‌ای شش قطعنامه مرتبط در قبل را یادآوری و بر اجرای مقررات آن تأکید می‌ورزد. این قطعنامه‌ها عبارتند از: ۱۹۲۹ (۲۰۰۶ ژوئیه)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶ دسامبر)، ۱۷۴۷ (مارس ۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (مارس ۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (سپتامبر ۲۰۰۸) و ۱۸۸۷ (۲۰۰۹) (Un.sc/s/ (Res/1929,2010)

### – تأثیر تحریم‌ها بر موضوعات حقوق بشر

#### الف) حق حیات

حق حیات به عنوان مهمترین و عالی‌ترین حقی که سایر حقوق نیز از آن ناشی شده، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک و بسیاری اسناد بین‌المللی دیگر مورد تأکید قرار گرفته است. آثار منفی تحریم‌های ضد ایرانی شورای امنیت بر حق حیات شهروندان ایرانی انکار ناپذیر است. چرا که بروز فقر، وقفه در ارائه خدمات اجتماعی و کمبود دارو در نتیجه تحریم‌ها، گسترش میزان مرگ و میر را به دنبال داشته است. بر اساس گزارش‌ها، در طول دوره اعمال تحریم‌ها، ده‌ها نفر از شهروندان ایرانی به دلیل کمبود دارو و گسترش فقر جان خود را از دست داده‌اند.

قرار دادن مواد دو منظوره در فهرست تحریم‌های شورای امنیت موجب شده است که بسیاری از شهروندان ایرانی از حق استفاده از تجهیزات پزشکی ساخته شده از این مواد دو منظوره محروم شوند و جان خود را از دست بدهند. همچنین تأثیرات اقتصادی منفی تحریم‌ها موجب افزایش قیمت مواد غذایی و بالا رفتن نرخ تورم شده و حق دسترسی به غذا که یکی از اصول بنیادین بشری محسوب می‌شود را به خطر انداخته است.

#### ب) استانداردهای زندگی مناسب

بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر فردی حق دارد سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک، مسکن، مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند. ماده ۲۵ اعلامیه حقوق بشر بر حق استفاده از سطح مناسب زندگی و سلامتی و رفاه تأکید دارد. تحریم‌های اعمال شده، با تاثیرگذاری منفی بر تولید، اشتغال و درآمد ملی، باعث بازدهی کم اقتصادی، کاهش میزان درآمد و ایجاد شکاف اجتماعی گردیده و در مجموع سطح زندگی و

معیشت شهروندان ایرانی را تنزل داده است و آنها را از داشتن استانداردهای مناسب زندگی محروم کرده است.

بر اساس قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، محدودیت‌های اعمال شده در زمینه خدمات مالی و بیمه‌ای علیه بخش کشتیرانی و تحریم‌ها علیه سیستم بانکی موجب شده است که هزینه ترانزیت کالاها افزایش یابد و قیمت تمام شده کالا برای شهروندان ایرانی بالا برود و این مسئله در کنار تورم کمر شکن و نرخ بالای بیکاری موجب محروم شدن شهروندان ایرانی از استانداردهای مناسب زندگی شده است (زمانی و زنگنه، ۱۳۹۲).

### ج) حق سلامت و بهداشت

حق سلامت و بهداشت و برخورداری از امکانات و خدمات پزشکی و درمانی از حقوقی است که مورد تاکید ویژه اسناد حقوق بشری قرار دارد. تحریم‌ها با برهم زدن زیرساخت‌های لازم برای ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و توقف واردات داروهای مورد نیاز بیماران مبتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج، میزان مرگ و میر را افزایش داده است. همچنین افزایش قیمت مواد غذایی به دلیل شرایط دشوار ناشی از تحریم‌ها موجب کاهش سرانه مصرف گوشت و لبنیات و سایر مواد غذایی در کشور و بروز سوء تغذیه در شهروندان شده است که اثرات منفی ناشی از آن بر سلامت جامعه در بلند مدت قابل مشاهده خواهد بود.

### د) حق آموزش

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، حق هر فردی را در دسترسی به آموزش و پرورش به رسمیت شناخته است. چنانچه ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر بر حق بهره مندی از آموزش و پژوهش تاکید دارد. بر اساس قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت، اتباع ایرانی نمی‌توانند در رشته‌های مرتبط با امور هسته‌ای به تحصیل بپردازند. این اقدام به معنای تسری دادن تحریم‌ها به شهروندان ایرانی است که هیچ دخالتی در سیاست‌های دولت ایران ندارند. شاهد مثال، جلوگیری دولت نروژ از ادامه تحصیل ۱۰ دانشجوی ایرانی در دانشگاه‌های آن کشور در چند رشته فنی به بهانه تبعیت از تحریم‌های شورای امنیت است (درستی، ۱۳۹۱).

همچنین باید به این نکته اشاره کرد که بر اساس قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، از ایران خواسته شده است تا فعالیت‌های تحقیقاتی و توسعه علم هسته‌ای توسعه دانشمندان خود را متوقف کند. این بند از قطعنامه با حق توسعه ملت‌ها منافات دارد.

## ه) حق دفاع مشروع

حق دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور یک «حق ذاتی» محسوب می‌شود که از جایگاه والایی در حقوق بین‌المللی عرفی نیز برخوردار است. به نظر می‌رسد که قرار دادن سلاح‌های متعارف (غیر هسته‌ای) در فهرست تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، به این حق ذاتی ایران در دفاع از خویش خدشه وارد می‌سازد و می‌تواند موجب تضعیف قوای نظامی این کشور شده و آن را در قبال تجاوزات احتمالی آینده آسیب پذیر سازد.

اختیار شورای امنیت مبنی بر نادیده گرفتن حقوق بشر در وضع تحریم‌های اقتصادی با دو محدودیت اساسی مواجه است: محدودیت نخست این است که شورای امنیت نمی‌تواند از رهگذر اعمال تحریم‌های اقتصادی، حقوق اساسی بشر را نادیده بگیرد. طبق ماده ۵۰ طرح مواد راجع به مسئولیت دولت، هرگونه رفتار متقابلی که تخطی از حقوق اساسی بشر باشد، در شمار اقدامات متقابل ممنوعه قرار می‌گیرد. محدودیت دوم این است قواعد حقوق بشر را به نحوی که موجب تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی گردد، نادیده نباید بگیرد، زیرا این اقدام با توجه به مسئولیت اصلی شورا در حفظ و امنیت بین‌المللی، نقض‌کننده فلسفه وجودی خود شورا می‌باشد. (Davidson, 2003: pp23-24).

## ۲- تحریم‌های یکجانبه

کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا پس از ناتوانی در تشدید تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران به دلیل مخالفت روسیه و چین، از سال ۲۰۱۲ اقدام به تشدید تحریم‌ها علیه ایران کردند. البته سابقه تحریم‌های آمریکا علیه ایران به بیش از سه دهه قبل باز می‌گردد، اما تحریم‌های اعمال شده در زمینه هسته‌ای که به تحریم‌های فلج‌کننده شهرت یافته‌اند، از گستردگی و شدت ویژه‌ای برخوردارند. بطور کلی هدف از کاربرد تحریم‌ها، مجازات کشورهای بوده است که ثروت و امنیت آمریکا و متحدان او را مورد تهدید قرار می‌داده‌اند. همچنین دستیابی به اهداف ایدئولوژیک و پیگیری سیاست تجاری استراتژیک و مناسبات تجاری از

جمله مقاصد امریکا به شمار می‌رفته است. هدف اعلام شده برای اعمال تحریم، جلوگیری از ایران در حمایت از تروریسم بین‌المللی و تأمین مالی توسعه و کسب سلاح‌های کشتار جمعی و ابزار حمل و پرتاب آن از طریق محدود کردن توسعه توان این کشور تعریف شده است. از اواخر ۱۹۸۹ م تا اکتبر ۲۰۰۸ تحریم‌های گسترده و متنوعی علیه صدور مواد خاص شیمیایی و تاسیساتی، کالاهای دامن‌زده تحریم‌های فوق‌العاده در خصوص زمینه‌های بازرگانی و سرمایه‌گذاری، قانون داماتو تحریم بانک‌های ایران از جمله تحریم بانک صادرات و سپه، تحریم افراد و شرکت‌های ایرانی وابسته به سپاه و بانک ملی، نیروی قدس سپاه و بانک صادرات در زمینه همکاری با این نیرو، تحریم معامله با کشتی رانی و هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران و آخرین تا ۲۳ اکتبر ۲۰۰۸ تحریم بانک توسعه صادرات ایران بوده است. این تحریم‌ها در فواصل مختلف زمانی و با رویکردها و اهداف مختلف از سوی ایالات متحده اتخاذ شده‌اند (مؤمنی راد و موسوی فرد، ۱۳۹۱: ۱۵۰). در سال ۲۰۱۲ بانک مرکزی ایران نیز از سوی آمریکا تحریم گردید.

تحریم‌های آمریکا از منظر حقوقی یک تحریم ثانویه<sup>۱</sup> در مورد ممانعت اشخاص ثالث از معامله با ایران محسوب می‌گردد. زیرا در این تحریم ایالات متحده کشورهای دیگر را به دلیل معامله با یک کشور ثالث مورد تجاوز قرار می‌دهد. استفاده از تحریم ثانویه عموماً مغایر با تفاهم مورد قبول از صلاحیت بین‌المللی است. به نظر استرن، تحریم ثانویه همیشه مبتنی بر اعمال صلاحیت برون مرزی بوده و مغایر با مقررات حقوق بین‌الملل می‌باشد (stem: 1994, 6). دولت آمریکا با استناد به اصل برون مرزی بودن صلاحیت قوانین خود، کشورهای دیگر و شرکت‌های خارجی را وادار به تبعیت از تحریم‌ها علیه ایران کرده است. به دلیل نفوذ و تاثیرگذاری اقتصادی و سیاسی آمریکا در جهان، اکثر کشورها وادار به تبعیت از قوانین مصوب کنگره آمریکا شده‌اند. برای مثال ۴ مشتری عمده نفت ایران در آسیا (چین، هند، کره و ژاپن) برای معاف شدن از این تحریم‌ها، ناگزیر به کاهش مستمر خرید نفت خود از ایران شده‌اند. همچنین بسیاری از بانک‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی به دلیل نگرانی از مواجه شدن با مجازات‌های دولت آمریکا، از همکاری با ایران صرف نظر کرده‌اند.

به نظر می‌رسد که اصل صلاحیت برون مرزی قوانین آمریکا ناقض اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها و اصل منع مداخله به عنوان ۲ اصل مسلم حقوق بین‌الملل است. امروزه ادعای

<sup>۱</sup>. Secondary Boycott

صلاحیت برون مرزی قوانین دولت آمریکا، تعارض جدی بین قوانین مذکور و قوانین سایر کشورها ایجاد کرده است. در این خصوص اولین سوالی که مطرح نظر قرار می‌گیرد این است که آیا آثار اعمال برون مرزی بر اساس حقوق بین‌الملل قابل قبول است یا خیر؟ مطالعه گیبینی نشان می‌دهد که اعمال قانون برون مرزی بدلیل عدم رابطه متقابل و ابتنا آن بر موضع قدرت، اساساً ضد دموکراتیک است (Gibney, 1996: pp306-308).

به نظرمان<sup>۱</sup> در مواردی که دولتی با اعمال حقوق موضوعه خود نسبت به یک وضعیت معین ناقض حقوق بین‌الملل است، عمل او خطای بین‌المللی محسوب می‌شود. به همین دلیل استدلال می‌گردد که هیچ دولتی مجاز به اعمال قانون خود نسبت به خارجیان برای اعمالی که در خارج از قلمرو اختیارات قانونی آن دولت انجام می‌دهند، نمی‌تواند. این قاعده مبتنی بر حقوق بین‌الملل است که به موجب آن یک قدرت حاکم متعهد به احترام به اتباع و حقوق کلیه قدرتهای حاکم در خارج از قلمرو خود می‌باشد (Mann, 1990: p5). دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی درباره اصل صلاحیت در حقوق بین‌الملل عمومی مقرر می‌دارد «اکنون نخستین و مقدم‌ترین محدودیت تحمیل شده بر یک دولت به موجب حقوق بین‌الملل این است که در صوت عدم وجود یک قاعده مجاز، آن دولت می‌تواند اختیارات خود را در هر شکلی در قلمرو کشور دیگری اعمال نماید و صلاحیت در این مفهوم قطعاً سرزمینی است. هیچ دولتی نمی‌تواند در خارج از قلمروش اعمال حاکمیت کند مگر اینکه قاعده مجازی که از رسوم بین‌المللی یا قراردادهای بین‌المللی ناشی شده باشد وجود داشته باشد» (مافی، ۱۳۸۵: ۷۱).

چنانچه بتوان پذیرفت که حقوق لاینفک معینی که مؤلفه‌های اساسی و بنیادی حاکمیت یک دولت را می‌سازد وجود دارد، بنابراین سایر دولت‌ها نباید اختیارات خود را به منظور تضعیف این حقوق اعمال نمایند (Lowe, 1985: 740). اصل تساوی حاکمیت دولتها به عنوان یک اصل عام، مستلزم تساوی صلاحیت قضایی و احترام به شخصیت کشورها و رعایت تمامیت ارضی و استقلال سیاسی آنهاست. به همین منظور بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد اصل تساوی کشورهای عضو را در راستای پایداری نظم نوین جهانی و به عنوان اساس همبستگی ملل متحد صریحاً پیش‌بینی کرده است. در حقیقت استفاده دولت آمریکا از مجازات‌های اقتصادی، تجاوزی آشکار به حق حاکمیت سایر کشورها و منافع مشروع شرکت‌ها و اتباع تحت صلاحیت آنها به شمار می‌رود. بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، کشورها دارای آزادی کامل در انجام

<sup>۱</sup>. Mann

فعالیت‌های تجاری و اقتصادی خود هستند. بنابراین استقلال اقتصادی بخش اساسی حق حاکمیت است و هرگونه تهدید استقلال اقتصادی، در حکم تهدید حق حاکمیت کشورهاست. بدون تردید تحریم‌های یکجانبه آمریکا و کشورهای غربی علیه ایران، مغایر با تضمین صلح و امنیت بین‌المللی، همبستگی اجتماعی ملل، به رسمیت شناختن حق تعیین آزادانه سرنوشت و اصل عدم توسل به زور در روابط بین‌الملل در پرتو منشور است. این تحریم‌ها همچنین منافی با برقراری همکاری‌های بین‌المللی در شرایط عادلانه و منصفانه بر اساس میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ناقض حق توسعه اقتصادی کشورها به موجب منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها و مخالف مقررات سازمان جهانی تجارت است (درستی، ۱۳۹۱).

تحریم‌های آمریکا علیه ایران عهدنامه ۱۹۵۵ مودت، روابط اقتصادی و کنسولی میان ایران و آمریکا که به نظر دیوان بین‌المللی دادگستری بخشی از مجموعه قوانین قابل اعمال در روابط میان ایران و آمریکا را نقض می‌کند. طبق بند یک ماده ۱۰ این عهدنامه «بین قلمروهای طرفین معظمین متعاهدین آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود.» به موجب بند ۲ ماده ۸ نیز «هیچ یک از طرفین معظمین متعاهدین محدودیت‌ها ممنوعیتی نسبت به ورود هرگونه محصول طرف معظم متعاهد دیگر یا نسبت به صدور هرگونه محصولی به قلمرو دولت معظم متعاهد دیگر قائل نخواهد شد...»

روشن است که آمریکا با وضع مجازات‌ها علیه ایران، تعهداتش به موجب معاهده مودت را نقض کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی نیکاراگوئه، اعمال مجازات‌های آمریکا بر کل تجارت نیکاراگوئه را مورد توجه قرار داده و چنین اظهار داشت: «هنگامی که چنین تعهدی از نوع مذکور در معاهده دوستی و تجارت وجود دارد، اقدام شدید به قطع مناسبات تجاری در قالب تحریم کلی تجاری ۱ می ۱۹۸۵، به طور معمول نقض تعهد مبنی بر عدم زیر پا گذاشتن هدف و مقصود این معاهده محسوب می‌شود.»

تحریم‌ها همچنین با بیانیه الجزایر که در ۱۹۸۱ میان ایران و آمریکا به منظور خاتمه بحران گروگانگیری به امضا رسید، مغایرت دارد. تعهد آمریکا طبق بند ۱۰ بیانیه الجزایر دایر بر لغو تمام تحریم‌های تجاری علیه ایران پس از نوامبر ۱۹۷۹، نیز اجازه وضع مجدد تحریم‌های مشابه را به آن دولت نمی‌دهد.

به علاوه، هدف تحریم‌های آمریکا، قطع روابط ایران با سایر دولت‌ها و اثرگذاری بر امور داخلی این کشور، همراه با اجبار و بدون هرگونه توجیه حقوقی است و بنابراین با بند ۱ بیانیه که هرگونه مداخله آمریکا در امور ایران را منع می‌کند، مغایرت دارد.

اگرچه بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد، شورای امنیت وظیفه دارد با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله تحریم در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قدم بردارد، اما این صلاحیت محدود به شرایطی از جمله رعایت اهداف و اصول ملل متحد است. در حقیقت شورای امنیت باید بر طبق حقوق بین‌الملل و به ویژه منشور وظایف خود را انجام دهد. تجربه وضع تحریم از گذشته تاکنون نشان می‌دهد که اقدامات تحریمی جز در مواردی معدود هیچگاه منجر به تغییر رفتار دولت تحت تحریم نشده و سازمان ملل و دولت‌های تحریم‌کننده، طرفی از این ساز و کار نبسته‌اند. تنها تأثیر تحریم، نقض گسترده حقوق بشر و اضافه شدن درد و رنج شهروندانی بوده است که هیچ نقشی در سیاست‌های دولت‌های خود نداشته‌اند.

از این رو سازمان ملل متحد و کشورهای غربی به دلیل وضع تحریم‌های ناقض هنجارهای بنیادین حقوق بشر که برخی از آنها همچون حق حیات، به صورت قاعده‌آمده در آمده‌اند، مرتکب تخلف از قوانین بین‌المللی مصرح در منشور و معاهدات بین‌المللی حقوق بشری شده‌اند و دارای مسئولیت بین‌المللی هستند و باید تبعات ناشی از مسئولیت بین‌المللی، از جمله لزوم برگرداندن وضع به حالت سابق و جبران خسارت را بپذیرند.

برخی دولت‌ها در موافقتنامه‌های دو جانبه مودت و آزادی تجارت یکدیگر را متعهد به برقراری تجارت آزاد کرده‌اند. موافقتنامه مودت و تجارت میان ایران و آمریکا یکی از بهترین نمونه‌هاست که پس از فراز و نشیب‌های بسیار در روابط دو کشور کماکان از سوی دو دولت معتبر قلمداد می‌شود. این معاهده طرفین را ملزم به برقراری تجارت آزاد میان اتباع یکدیگر کرده و تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران نقض صریح معاهده است. به همین ترتیب کشورهای اروپایی موافقتنامه‌های متعددی در زمینه‌های مختلف روابط اقتصادی و مالی، بانکی و مالیاتی با ایران دارند که توسط نهادهای قانونی دو کشور به تصویب رسیده و لازم‌الرعايه است. موافقتنامه ۲۰۰۳ سرمایه‌گذاری متقابل میان ایران و فرانسه، کنوانسیون سال ۲۰۰۴ مصونیت دولت‌ها از جمله موافقتنامه‌های دو جانبه رایج بین کشورها هستند که تحریم‌های اخیر وضع شده می‌تواند نقض یک‌جانبه این موافقتنامه‌ها تلقی شود (زمانی و مظاهری، ۱۳۹۰).

## نتیجه‌گیری

استفاده از مجازات‌های اقتصادی بوسیله آمریکا بطور فزاینده‌ای تجاوزی آشکار به حق حاکمیت کشورهای دیگر و منافع مشروع شرکت‌ها و اتباع تحت صلاحیت آنها می‌باشد که با محدود کردن حق حاکمیتان‌ها در تعقیب یک سیاست تجاری مستقل صورت می‌گیرد. اقدامات یکجانبه آمریکا در تحریم ایران، ناقض اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در میان دولت‌ها است که مستلزم احترام به اصول اساسی حقوق بین‌الملل یعنی حقوقی دولت‌ها، عدم مداخله، همکاری و دوستی، احترام به استقلال و تمامیت ارضی دولت‌ها در میان اعضای جامعه بین‌المللی است. همچنین مغایر با تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، همبستگی اجتماعی ملل، به رسمیت شناختن حق تعیین‌آزادانه سرنوشت و عدم توسل به زور در روابط بین‌المللی در پرتو منشور سازمان ملل متحد است.

این نوع اقدامات به علت عدم برخورداری از مشروعیت، فاقد وجاهت بین‌المللی می‌باشند. به همین دلیل در فرآیند تحریم‌های بین‌المللی باید بر جنبه‌هایی از قبیل مشروعیت، ضرورت و تناسب آنها و همچنین تأثیر این تحریم‌ها بر افراد صغیرنظامی بی‌گناه، توجه ویژه‌ای معطوف داشت. پیوند ملاحظات و ارزش‌های اخلاقی با ایده اعمال حقوق بین‌الملل از طریق تحریم‌ها و نظارت مؤثر بر آنها در استفاده از تحریم‌های اقتصادی، امری ضروری است. نظام بین‌الملل کنونی به علت عدم وجود یک مقام و مرجع جهانی و نظارت بر دولت‌های ملی مستلزم احترام متقابل و نزاکت به منظور همکاری بین‌دولت‌هاست. نظر به اینکه نزاکت مبتنی بر مفهوم برابری کشورهاست توجه به رعایت آن به ارتقاء و حفظ روابط دوستانه بین دولت‌ها کمک قابل ملاحظه‌ای خواهد نمود. در حالی که مجازات‌های اقتصادی را می‌توان بخشی از نظام اجرایی بین‌المللی به شمار آورد، این مجازات‌ها نباید به طور یکجانبه اعمال شوند. جامعه بین‌المللی باید در جستجوی یک چارچوب مشترک به منظور تأمین یک نظام مجازات قابل اعمال جهانی با اهداف مشترک باشد. در همین راستا فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد به شورای امنیت به عنوان ارگان امنیت جمعی، وظیفه‌ی تشخیص تهدید بر علیه صلح و یا عمل تجاوز را براساس ماده ۳۹ و اتخاذ مکانیسم اجرایی مقتضی به موجب مواد ۴۱ (عدم توسل به نیروی مسلح) و ۴۲ (توسل به نیروی مسلح) منشور را تفویض نموده است. مجازات‌های وضع شده بوسیله شورای امنیت که بر اساس مقررات فصل هفتم منشور اتخاذ می‌گردد برای کلیه اعضای سازمان ملل متحد با استناد ماده ۲۵ منشور که اساس نظام امنیت بین‌المللی محسوب می‌گردد،



لازم‌الرعايه می‌باشد. به علاوه بر اساس بند ۲ ماده ۴۸ منشور اعضای سازمان متعهد به اجرای قطعنامه‌های متخذه بوسیله شورای امنیت می‌باشند.

وظیفه اجرای تصمیمات شورای امنیت در بند ۱ ماده ۲۴ منشور نیز منعکس شده است که به موجب آن اعضای سازمان به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نمایند و موافقت می‌کنند که شورا از طرف آنها اقدام نماید. بدون تردید تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا مغایر با تضمین صلح و تحکیم امنیت جهانی، همبستگی اجتماعی ملل، به رسمیت شناختن حق تعیین آزادانه سرنوشت و عدم توسل به زور در روابط بین‌المللی در پرتو منشور سازمان ملل متحد است. همچنین، منافی با برقراری همکاری‌های بین‌المللی در شرائط عادلانه و منصفانه براساس میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۹۶۶) ناقض حق توسعه اقتصادی کشورها به موجب منشور حقوق و وظایف اقتصادی دولت‌ها (۱۹۹۷) و مخالف با مقررات سازمان تجارت جهانی (مصوب ۱۹۹۵) است که طلايه‌دار بسط و توسعه نظام تجارت آزاد متکی بر چند جانبه‌گرایی در سطح بین‌المللی می‌باشد.

هرچند که تحریم‌های آمریکا باعث تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران به نحوی که مورد انتظار آمریکا بود نشده است. ولی در صورت عدم وجود تحریم، اقتصاد کشور در وضعیت مطلوبتری قرار می‌گرفت. تحریم‌های اقتصادی آمریکا نه تنها سبب بروز تنگناهایی در خرید و واردات کالا از خارج گردید؛ بلکه باعث افزایش تعداد واسطه‌ها در خریدهای کشور از خارج، افزایش هزینه‌های حمل و نقل و بیمه و توقف کشتی‌ها و طولانی شدن مدت زمان حمل کالا به علت تأمین کالاهای ضروری بوسیله وارد کنندگان شد. آشفتگی سیستم توزیع، احتکار و گرانفروشی، پیدایش بازار سیاه برای بسیاری از کالاها را می‌توان از دیگر تبعات تحریم‌های آمریکا دانست.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- ایوانر، گراهام و نونام، جفری (۱۳۸۱). **فرهنگ روابط بین‌الملل**، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی، نشر میزان، تهران.
- حدادی، مهدی (۱۳۸۲). «**تحریم‌های بین‌المللی: ابزار سیاست ملی یا ضمانت اجرای بین‌المللی**»، **مجله اندیشه‌های حقوقی**.
- خواجی، غلامرضا (۱۳۹۱). «**تحریم اقتصادی از منظر حقوق بین‌الملل با تاکید بر حقوق بین‌الملل اقتصادی و حق توسعه**»، **فصلنامه حقوق اقتصادی**، شماره ۲.
- درستی، محمدرضا (۱۳۹۱). **تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل**، **رویدادها و تحلیل‌ها**، شماره ۲۶۶.
- زمانی، قاسم و زنگنه شهرکی، جعفر (۱۳۹۲). «**تحریم‌های بین‌المللی ناقض حقوق بشر: از چالش مشروعیت حقوقی تا مسئولیت بین‌المللی**»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۶۷.
- زمانی، قاسم و مظاهری، جمشید (۱۳۹۰). «**تحریم‌های هوشمند شورای امنیت در پرتو قطعنامه ۱۹۲۹: حفظ یا تهدید صلح؟**»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۴.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۷). «**مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالش‌های نفت ایران**»، **مجله بررسی مسائل اقتصاد انرژی**، سال اول، شماره دوم.
- عباسی اشلقی، مجید (۱۳۸۰). «**مداخلات بشر دوستانه و اصل عدم مداخله**»، **مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۱۶۹.
- علیخانی، حسین (۱۳۸۰). **تحریم ایران، شکست یک سیاست**، ترجمه محمد تقی نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فرهی، فریده (۱۳۷۶). «**شناخت تحریم آمریکا علیه ایران**»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۱۱، شماره ۱.
- فلدان، هوهن؛ زایدل، آیگناتس (۱۳۷۹). **حقوق بین‌الملل اقتصادی**، ترجمه سید قاسم زمانی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- مافی، همایون (۱۳۸۵). «**تاملی بر تحریم اقتصادی آمریکاعلیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل**»، **پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی**، سال اول، شماره اول.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴). «**تاثیر سیاست تحریم بر مذاکرات هسته‌ای**»، **فصلنامه ژئوپلتیک**، سال ۱۱، شماره ۳.

ممتاز، جمشید (۱۳۸۷). «انطباق تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه»، فصلنامه حقوق، شماره ۴.  
مومنی راد، احمد؛ موسوی فرد، سید حسین (۱۳۹۱). «موازن وضع تحریم‌های شورای امنیت و قطعنامه‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ۱، شماره ۲.

#### ب) منابع انگلیسی

- Barrye, Carter. (1988). International Economic Sanctions: Improving the Haphazard us Legal Regime. Cambridg University.  
Bratton,P(2005),When is Coercion Successful?,Naval War College Review,58.  
Brownlie.Ian(1990),Principles of Public International Law, Clarendon Press,Oxford.  
Crawford, N.C.(1990),How Sanctions Work:Lessons from South Africa ,London :MacMillan press LTD.  
Davidson.Elias(2003),Legal Boundaries to UN Sanction, The International Journal of Human Rights,Vol.7,No,4.  
Doxy,Margaret,(1972),International Sanctions:a Framwork for Analysis with Special Report of the U.N and Southern Africa.  
George,A(1997),Forcegul Persuasion:Coercive Diplomacy as an Alternative to War, Washington,D.C. United States Institute of Peace Press.68.S  
Gibney,Mark P(1997).The Extraterritorial Application of U.S.Law:the Perversion of Democratic Governance, the Reversal of Institutional Rols, and the Imperative of Establisging Normative Principles,Boston College,Law Rev,Vol.XIX,No,2.  
Lowe,Voughan(1997),Us Extraterritorial Jurisdiction,The Helms-Burton And Damatos Acts,46IclQ.  
Mann,F.A(1990),Further Studies in International Law,Oxford.  
Stern,Brigitte(1997),Can the United States Set Rules for the World?,A French View,31 JWT4.  
Schaub,G(1998),Competence:Rrsuscitating the Concept,in L.Freedman(eds),Strategic Coercion:Concepts and Cases, Oxford University Press.